

## ادراک فراحسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی

نوید خاکبازان\*

رحیم میردیریوندی\*\*

### چکیده

انسان در زندگی خویش، با ادراکاتی فراتر از حس ظاهری روبه‌رو شده است؛ ادراکاتی که برخی از آنها با حقیقت و ایمان رابطه استواری دارد، چنان‌که در بسیاری موارد، ایمان را شرط رخ دادن ادراکات فراحسی‌ای شمرده‌اند که انسان را به سوی حقیقت و واقعیت سوق می‌دهد. ادراکات فراحسی، شاخه‌ای از رشته فراروان‌شناسی محسوب می‌گردد که توجه بسیاری از روان‌شناسان، فلاسفه، فیزیک‌دانان، زیست‌شناسان، الهیون و حتی مردم عادی را به خود جلب نموده است. این پژوهش با هدف بررسی ادراک فراحسی و تبیین زوایای گوناگون آن، با تکیه بر منابع اسلامی از جمله آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام و نیز سخنان اندیشمندان مسلمان انجام گردید. همچنین چگونگی به‌کار بستن ادراک فراحسی و تفاوت آنها با معجزه و توهم نیز از نظر گذرانده شد. این پژوهش به لحاظ هدف توصیفی می‌باشد و با روش استنادی اطلاعات گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ادراک فراحسی به عنوان یک حقیقت در منابع اسلامی شناخته شده است و یکی از وجوه تمایز انسان‌ها و سایر موجودات قلمداد می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** ادراک فراحسی، فراروان‌شناسی، تله‌پاتی، دورجنبانی، آشناپنداری، پیش‌گویی،

روشن‌بینی، دورشنوایی.

## مقدمه

چندانی در زمینه ادراک فراحسی از دیدگاه اسلام به ثبت نرسیده است. بیشترین مطالعات در زمینه روان‌شناسی، مربوط به آثار برخی محققان (ایروین، ۱۳۸۹؛ رایچ، ۱۳۸۳؛ گوستاو یونگ، ۱۳۸۲؛ رضایی مهر، ۱۳۸۲؛ کلرمون، ۱۳۵۴؛ مملکت دوست، ۱۳۸۳؛ ناجی، ۱۳۷۹؛ خرمشاهی، ۱۳۶۴) می‌باشد. همچنین در حیطه مباحث اسلامی نیز برخی از پژوهشگران (طباطبائی، ۱۳۹۳ق؛ مطهری، ۱۳۸۰الف، ج ۳؛ مصباح، ۱۳۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰؛ نجاتی، ۱۳۷۴؛ رضایی، ۱۳۸۹؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۷۹) به مناسبت بخشی از پژوهش خود، به تبیین ادراک فراحسی پرداخته‌اند.

در آثار روان‌شناسان، اشاره‌ای به آموزه‌های غنی اسلامی در زمینه ادراک فراحسی نشده است و پژوهشگران اسلامی نیز این مفهوم را یا به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده‌اند. از این رو، این مفهوم نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی بوده و تبیین‌های روان‌شناختی دقیق‌تری را می‌طلبد. به نظر می‌رسد این پژوهش بتواند ارزش‌های روان‌شناختی ادراک فراحسی را از منابع اسلامی اکتشاف نموده و زمینه پژوهش‌های بیشتر را فراهم سازد.

بنابراین، محقق در پی بررسی سؤالات ذیل می‌باشد:

۱. مفهوم ادراک فراحسی در روان‌شناسی چیست؟
۲. مفهوم ادراک فراحسی در منابع اسلامی چیست؟
۳. منشأ و پیش‌زمینه ادراک فراحسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی چیست؟
۴. حوزه‌های ادراک فراحسی کدام است؟

همچنین در ضمن پژوهش، به بررسی سؤالات فرعی‌تری همچون امکان‌شناسی، ضرورت‌شناسی و آسیب‌شناسی ادراک فراحسی در روان‌شناسی و متون اسلامی و نیز تفاوت آن با معجزه و توهم پرداخته خواهد شد.

انسان‌ها یک سری معلومات عادی دارند که از راه چشم و گوش و سایر حواس ظاهری حاصل می‌شود. و گاه این آگاهی‌ها به وسیله قوای فکری - که قوای درونی انسان است - تجزیه و تحلیل می‌شود و بخشی از افکار عقلی انسان شکل می‌گیرد. همه انسان‌ها کم‌وبیش از نوعی آگاهی بهره‌مند هستند. گاه برای بعضی از انسان‌ها یک نوع ادراکات دیگری هم حاصل می‌شود و مطالبی به ذهنشان می‌آید که جنبه استثنایی دارد و از اسباب ظاهری پیدا نشده است (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۷). جان آدمی ساحت‌های فراتر از حس دارد و می‌تواند به فراسوی ظاهر مادی گام بردارد. خداوند در عرصه زندگی، بشر را به ارزش دریافت‌های حضوری اشیا و رسیدن به حقایق توجه داده و به تعبیر دیگر، دریچه‌هایی به دنیای فراحسی گشوده است. گرچه زمانی با وجود تفکرات مادی‌گرایانه و انسان‌گرایانه افراطی غربی، دریافت‌های فراحسی با بی‌اعتنایی مواجه شدند، اما با پیشرفت بیشتر علم، دانش‌های فراحسی موضوع مطالعات علمی قرار گرفتند و انکار توانایی آنها برای ارتباط با واقعیت و پیوند آنها با لایه‌هایی از واقعیت، کنار نهاده شد (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

مباحث فراوانی در باب مسائلی همچون تله‌پاتی (Telepathy)، پیش‌گویی (Precognition)، روشن‌بینی (Clairvoyance)، دورجانبانی (Telekinesis Psychokinesis) و تجربه خروج روح از بدن مطرح شده‌است که نشان می‌دهد از راه‌های دیگری غیر از روش‌های تجربی شناخته شده نیز می‌توان کسب معرفت نمود. برخی از این فنون حالتی عام و تعلیم‌پذیر و قابل اعتماد یافته‌اند و می‌توان انتظار داشت که برخی دیگر نیز دیر یا زود به شکل همگانی و تعلیم‌پذیر درآیند (صادقی، ۱۳۸۲، ص ۵۰).

آن مقدار که محقق جست‌وجو نموده، تاکنون مطالعات

### مفهوم‌شناسی ادراک فراحسی

- ادراک پدیده‌هایی که علم تاکنون به ماهیت آنها پی نبرده است، ادراک فراطبیعی یا فراهنجار یا فراحسی نامیده می‌شوند (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

- قوه شعور باطن در بشر است و کارهایی می‌تواند انجام بدهد که ادراک ظاهری قادر بر انجام آن نیست؛ یعنی کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۰ الف، ج ۳، ص ۴۹۸).

- اصطلاحی کلی برای تعدادی از پدیده‌های فراهنجار فرضی به کار برده شده است (ربر، ۱۳۹۰، ص ۳۳۱)؛ یعنی پدیده‌هایی که فرض می‌شود با قوانین و اصول شناخته‌شده قابل توجیه نیستند (همان، ص ۶۵۰).

- حاصل آگاهی به واقعیت‌ها یا گزاره‌های واقع‌نمایی است که نوعاً با روش‌های ادراک حسی یا کیفیات حسی - تنی یا خویش‌نگری عادی دسترس‌پذیر نمی‌شود (وکیلی، ۱۳۸۵، ص ۶۹).

- به گفته پروفیسور ریشه، برنده جایزه نوبل، ادراکی است که می‌تواند به چیزهایی پی ببرد که ضمیر عادی از درک آنها عاجز است (کلر مون، ۱۳۵۴، ص ۹۸۲).

### امکان‌شناسی ادراک فراحسی

ممکن بودن وجود ادراک فراحسی در انسان، محل اختلاف بسیاری از اندیشمندان بوده است. فیلسوفان، متکلمان، عرفا، اندیشمندان و روان‌شناسان در هر دوره‌ای، اظهارنظرهایی اعم از مخالف و موافق در این باره کرده‌اند. در ذیل، به بیان نظریات برخی از صاحب‌نظران پرداخته می‌شود.

#### الف. دیدگاه‌های مخالف

۱. **ماده‌گرایان:** در دیدگاه ماده‌گرایان، هشیاری بشری چیزی نیست جز عملکرد مغز، بدن و دستگاه عصبی. این افراد بر این باورند که افکار انسان منحصرأ به وسیله

ادراک فراحسی که در فرهنگ لغات مترادف واژه لاتین «extra-sensory perception» (فیروزبخت، ۱۳۸۹، ص ۲۴۳؛ باطنی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۲) آمده، در لغت به معنای ادراکی است که خارج از حوزه کاربرد هر نوع دستگاه حسی شناخته‌شده رخ می‌دهد (ربر، ۱۳۹۰، ص ۳۳۱). تعاریف اصطلاحی ادراک فراحسی از نگاه‌های مختلف بدین قرار است:

- کسب اطلاع، معرفت و آگاهی از یک امر یا شیء یا رویداد، بدون دخالت حواس عادی بشری (خرم‌شاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۲).

- ادراک امور غیرمادی و معنوی است که با دست و چشم و گوش صورت نمی‌گیرد و نیز مراتبی دارد که هر کسی نمی‌تواند آن را درک کند (همان، ص ۵۸-۵۹).

- ادراک برخی از وقایع غیرعادی است که انسان آنها را تجربه می‌کند و موضوع آن به‌مثابه مسئله‌ای فراتر از فکر و ذهن در نظر گرفته می‌شود (مملکت دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۲).  
- اصطلاحی است که به کسب اطلاعات درباره وقایع فراتر از حواس عادی اطلاق می‌شود (همان، ص ۳۳).

- ادراک چیزهایی عجیب و غریب که در ابتدا تفسیر آنها محال به نظر می‌رسد یا بالاتر از فهم بشری است (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸).

- در نتیجه تأملات ثانویه و پاسخ به پرسش‌هایی شکل می‌گیرد که از شناخت حسی نخستین عبور کرده و نمی‌خواهد بدان بسنده کند. این نوع ادراک در واقع، تفسیر جهان است. در تفسیر جهان، انسان، روابط ضروری حوادث را تشخیص می‌دهد و قوانین کلی عالم را کشف می‌کند و واقعیت‌های مربوط به ماورای محسوسات و آن سوی طبیعت را آشکار می‌سازد (مبلغ، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹).

مشهور یعنی ایمانوئل کانت و اگوست کنت تأثیر پذیرفته‌اند. این دو متفکر اساساً اعتقاد به مسائل ماورای طبیعی را به علت خارج بودن از دسترس تجربه، غیر واقعی می‌پنداشتند (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۳۷) و هرگونه اندیشه متافیزیکی را نفی می‌کردند (زرشناس، ۱۳۸۱، ص ۳۹). کوتاه سخن اینکه دیدگاه بشرانگاری (اومانیزم) با جهان‌بینی تجربی و حسی به انکار واقعیت‌های فراحسی پرداخته و انسان را میزان و معیار همه چیز معرفی کرده است، آن هم انسانی که آرمان‌نهایی‌اش رسیدن به لذایذ مادی و تأمین خواسته‌های نفسانی می‌باشد (باربور، ۱۳۷۴، ص ۹۶-۹۸).

۴. **ویلیام اکام:** ویلیام اکام (William of Ockham) از کشیشان و فلاسفه معروف قرون وسطا، معتقد بود: «امری موجود است که یا محسوس من باشد یا لازمه محسوس من، وگرنه باید آن را از صفحه وجود محو کرد.» وی امور فراوانی را از صفحه هستی خارج کرد؛ زیرا با اصل فوق همخوان نبود (فعالی، ۱۳۷۹، ص ۷۷).

#### ب. دیدگاه‌های موافق

۱. **ابن‌سینا:** ابن‌سینا در برخی آثار خویش، بحث‌هایی در زمینه ادراکات فراحسی دارد: هر گاه بشنوی که عارفی از غیب خبر می‌دهد و بشارت یا اندرزی که قبلاً داده است، درست درآمد، پس باور کردن آن برای تو دشوار نیاید؛ زیرا این امر در قوانین طبیعت علل و اسباب معینی دارد. نفس انسانی به گونه‌ای است که در حالت خواب به غیب دسترسی پیدا می‌کند. پس با توجه به هماهنگی تجربه و قیاس، مانعی ندارد که این دسترسی در حالت بیداری نیز روی دهد (ملکشاهی، ۱۳۹۰، ص ۶۵۸).

۲. **استاد مطهری:** شهید مطهری راه علم را منحصر به آنچه که انسان از طریق حس و فکر کسب می‌کند، ندانسته و بر این باور است که از افق دیگری به نام «فراحس» نیز،

اعمال الکتروشیمیایی دستگاه (BBNS) (مغز، بدن و دستگاه عصبی) تولید می‌شود و بنابراین، فکر و ذهن مطلقاً به این دستگاه مربوطند. وقتی که BBNS می‌میرد، هشیاری نیز از بین می‌رود. در این نظام فکری، پدیده‌هایی همچون ادراک فراحسی غیرممکن است؛ زیرا آنها را توهماتی می‌دانند که سبب می‌شود در شناخت امور جهان دچار مشکل شویم (مملکت‌دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳). آنان بر این باورند که عصر این گزاف‌گویی‌های ناسنجیده به سر آمده است (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۸).

۲. **اثبات‌گرایان:** در ازای جنبه افراطی اصالت ماده، یک افراط یا تفریط دیگر هم که بیشتر ناشی از قول به اصالت حس و تجربه و مکتب‌های حاد اصالت فیزیکی نظیر اثبات‌گرایی منطقی است، وجود دارد و آن، انکار هرگونه عوالم و حقایق جز عالم طبیعت و احوال عادی و ادراکات حسی است (همان). فیلسوفان تجربه‌گرا ملاک حقیقت را همان وجود خارجی و تجربه قرار دادند و منکر واقعیت‌های فراحسی شدند. اثبات‌گرایی یا تحصیل‌گرایی منطقی با تکیه بر این رویکرد، گزاره‌های فراحسی را که تحقیق‌پذیر تجربی نبودند، مهمل معرفی (علی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴) و همه را حمل بر تصادف و توهم کردند (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۸).

۳. **انسان‌گرایان:** تفکر انسان‌گرایانه غرب بر این اصل مشهور مبتنی است که در ذهن آدمی چیزی جز محسوسات وجود ندارد، غافل از آنکه بسیاری از محتویات ذهن از داده‌های حسی ناشی نمی‌شود. واقعیت غربی که به صرف قرارداد محدود تلقی می‌شود، همواره در معرض تهدید و تهاجم عناصر و نیروهای فراحسی ماورای طبیعی و فوق‌بشری و مخاطرات فراوان دیگر قرار دارد (گوستاویونگ، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

انسان‌گرایان امروزی بیشتر از دیدگاه‌های دو فیلسوف

قرار گرفت و اثبات گردید، بجاست در اینجا به بررسی ضرورت این نوع ادراک پرداخته شود. از چند منظر، وجود این ادراک در انسان ضروری به نظر می‌رسد:

### ۱. ادراک فراحسی در قرآن

در قرآن کریم الفاظی که ناظر به انواع ادراکات فراحسی است فراوان بوده و از مرز بیست تعبیر می‌گذرد؛ واژه‌هایی همچون بصیرت، حکمت، لب، عقل، تدبر و عرفان از جمله واژه‌هایی است که مربوط به ادراکات فراحسی می‌شود (فعالی، ۱۳۷۹، ص ۷۷). برای مثال، در برخی موارد توجه به امور فراحسی را رهین تعقل و تدبر می‌داند: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۷۳)؛ پس گفتیم: پاره‌ای از اعضای آن (گاو ذبح شده) را به او (بدن مقتول) بزیند (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند) این‌گونه خداوند مردگان را زنده می‌کند و نشانه‌های (توحید و قدرت) خود را به شما نشان می‌دهد، شاید بیندیشید. خداوند به افرادی که ادراکات فراحسی را اسطوره باطل می‌دانند چنین اعلام می‌دارد که در باب این مسائل تعقل و تفکر نمایند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۶۸). همچنین از واژه «بصیرت» در آیه ۷۸ سوره «نحل» به عنوان معبری یاد شده است که باید انسان را به کمک عقل به امور فراحسی رهنمون سازد (فعالی، ۱۳۷۹، ص ۷۳). به کار رفتن این الفاظ در قرآن، جایگاه ویژه ادراکات فراحسی را نشان می‌دهد که در بخش‌های بعدی مقاله به برخی از نمونه‌های قرآنی در این زمینه اشاره خواهیم نمود.

### ۲. وجه تمایز انسان و حیوان

یکی از وجوه عمده امتیاز و افتراق نوع انسان از جنس حیوانات، کنش و واکنش انسان با عوالم فراحسی و

القائاتی به انسان می‌شود (مطهری، ۱۳۸۰ الف، ج ۳، ص ۱۵۷). ایشان می‌افزاید: پدیده‌های فراحسی غیرقابل انکار و منحصر به یک نفر و دو نفر نیست و انسان، نباید منکر قوای روحی و استعداد خارق‌العاده روحی بشر بشود (مطهری، ۱۳۸۰ ب، ج ۴، ص ۵۲۲).

۳. آیت‌الله مصباح: آیت‌الله مصباح ادراکات فراحسی را این‌گونه ترسیم نموده‌اند: «این امر تازگی ندارد و از قدیمی‌ترین ایامی که تاریخ نشان می‌دهد، کم‌وبیش این چیزها میان انسان‌ها بوده است و انسان‌ها پذیرفته‌اند که غیر از این راه‌های ادراکی که همه ما داریم، یک نوع دیگر ادراک غیرعادی هم وجود دارد؛ چنان‌که غیر از قدرت‌های مادی که با اسباب علمی و حساب شده حاصل می‌شود، قدرت‌های دیگری هم وجود دارد که با محاسبات عادی جور در نمی‌آید» (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱۷). «مطالعات نیز روی این نوع آگاهی انجام گرفته و وجودش از طرف متخصصان پذیرفته شده است؛ مثل تله‌پاتی و امثال اینها که در فراروان‌شناسی مطرح است» (همان، ص ۱۷).

۴. کارل گوستاو یونگ: کارل گوستاو یونگ روان‌شناس و متفکر سوئیسی بود که به خاطر فعالیت‌هایش در روان‌شناسی و ارائه نظریاتش تحت عنوان «روان‌شناسی تحلیلی» معروف است. یونگ را در کنار زیگموند فروید از پایه‌گذاران دانش نوین روان‌کاوی قلمداد می‌کنند (شولتز، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲). وی قایل به صحت پدیده‌های فراروان‌شناسی و طرفدار جدی‌تر گرفتن فراروان‌شناسی بود (خرم‌شاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۷-۲۸). وی تلقی یکسونگری غربی را دلیل انکار پدیده‌های فراحسی می‌داند (گوستاو یونگ، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

### ضرورت‌شناسی ادراک فراحسی

پس از اینکه صحت و امکان ادراک فراحسی مورد بررسی

شهودی است. ادراک برتر فراحسی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در طول تاریخ قابل مشاهده است (امین، ۱۳۸۶، ص ۴). ادراک فراحسی علاوه بر تمایز انسان با سایر موجودات، وجه تمایزی بین خود انسان‌ها نیز محسوب می‌شود. حد فاصل ادیان الهی و خیل عظیم مؤمنان عالم با بقیه مردم و انسان‌ها، از زمان حضرت آدم تا امروز عبارت است از ایمان به غیب؛ یعنی ماورای دنیای احساسات ما و معادلات و محاسبات بشری مبتنی بر این حواس (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹).

### ۳. مجرای ارتباط شهودی با واقعیت

مجاری دریافت دانش برای انسان محدود نیست و دریافت‌های فراحسی یکی از مجاری ارتباط شهودی انسان با واقعیت‌اند. همچنین هدف دین چیزی جز این نیست که انسان به جایی برسد که همه چیز برای او از راه‌هایی فراتر و بیشتر از ادراک‌های حسی مکشوف شود (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۸۲).

ویلیام جیمز نیز پس از اشاره به توانمندی‌های فوق‌العاده انسان می‌گوید: در دستگاه فکری و روحی ما یک نیروی فراحسی است که حقیقت و واقعیت‌هایی را درک می‌کند و این حس خیلی از کار و علم حس‌های معمولی و ظاهری دیگر، دامنه‌دارتر و عمیق‌تر است (سعیدی‌روشن، ۱۳۷۹، ص ۳۸) و غفلت از ادراک فراحسی ممکن است دانشمندان را از درک بنیادهای نظری و عقلانی و حقایق محروم سازد (کوهن، ۱۳۸۲، ص ۳۱).

### آسیب‌شناسی ادراک فراحسی

آسیب‌شناسی در اصطلاح، به معنای شناسایی، مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز ناهنجاری‌ها و مشکلات پیش‌رو می‌باشد (خاکبازان، ۱۳۹۰، ص ۲۳). بی‌شک،

آسیب‌شناسی ادراک فراحسی، زمینه‌ساز آسیب‌زدایی موجب برطرف شدن ناهنجاری‌های احتمالی موجود، در فرایند کلی ادراک فراحسی خواهد شد، به گونه‌ای که پس از انجام آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی، ادراک فراحسی، در مسیری پویا و صحیح انجام گیرد. در ذیل، به برخی از آسیب‌های موجود اشاره می‌شود:

#### ۱. عدم امکان ثبت وقایع

آنتونی فلو (Anthony Flew) می‌گوید: «آنچه محقق فراروان‌شناسی جست‌وجو می‌کند یافتن شاهد از شاهدان [عینی] حوادث ظاهراً غیرطبیعی است که بلافاصله پس از وقوعشان ثبت و ضبط شده‌اند و آنچه در اختیار نداریم، شاهد و بینه است که یکی از این وقایع معجزه‌آمیز را شاهد بوده باشد و شهادت خود را بلافاصله پس از وقوع آن واقعه ثبت کرده باشد (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۶-۳۰۷).

#### ۲. احتمال خطا

ادراک فراحسی همانند ادراکی حسی، ممکن است در معرض خطا باشد. ادراک درست شخص، نخست به میزان وابستگی اطلاعات او به واقعیت‌های عاری از شائبه‌های جعل، تحریف یا خرافه و نیز عدم اشتباه در به‌کارگیری ابزارهای علمی و عقلی کشف واقعیت بستگی دارد و سپس میزان پردازش و پیرایش درون او برای پذیرش تصویری درست از واقعیت، آن‌گونه که هست (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

#### ۳. تکرار ناپذیری، فراگیر نبودن و دشواری انتقال

##### به دیگران

ادراک فراحسی به اندازه ادراک حسی فراگیر نیست. مثلاً، ما می‌توانیم ادراک حسی را در افراد مختلف بررسی کنیم، ولی

#### ۶. تحمل ریاضت‌های غیرشرعی و ضداجتماعی

شهید مطهری در مورد آمادگی برای ادراکات فراحسی از طریق ریاضت‌ها می‌گوید: «آنچه که در ادیان آمده است، در دستوره‌های عبادی و غیرعبادی، برای این است که ما یک وقت - مثلاً - راه ریاضت‌کش‌های هندی و دیگران را پیش‌نگیریم. راهی که اسلام نشان می‌دهد، راهی است که نه زندگی را مختل می‌کند و نه معنویت و صفای روح را، بلکه در عین اینکه انسان رو می‌آورد به زندگی و اجتماع و نظامات اجتماعی، در عین حال، صفای روح و معنویت خودش را هم حفظ و نگاه‌داری می‌کند و از میان نمی‌برد. اما در راه‌های دیگر ممکن است کسی، دیگر آن امور را فراموش کند، فقط رو می‌آورد به زندگی، می‌شود مادی در زندگی، یک کسی هم زندگی را بکلی رها می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۰ ب، ج ۴، ص ۵۲۳).

#### تفاوت‌شناسی

##### ۱. تفاوت وهم و ادراک فراحسی

برخی از اندیشمندان توهم را به گونه‌ای تعریف نموده‌اند که شباهت فراوانی با ادراک فراحسی پیدا می‌کند. یکی از تعاریف توهم، این است: «توهم، یعنی ادراک غیرمستقیم محسوسات؛ یعنی ادراک چیزهایی که از انسان دورند و با حواس ظاهری حس و درک نمی‌شوند» (بخشی، ۱۳۸۰، ص ۷۱). یا در جای دیگر چنین آمده است: «هرگاه شخصی چیزهای غیرواقعی و یا غیرقابل وجود ببیند، گفته می‌شود که این شخص دچار توهم شده است» (رایج، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

اکنون این سؤال قابل طرح است که چگونه می‌توان میان وهم و ادراکات فراحسی که از مراتب عالی روحی ناشی می‌شود، فرق نهاد؟ تفاوت در آن است که ادراکات فراحسی آثاری در عالم خارج دارد که وهم آن آثار را ندارد.

به سادگی نمی‌توان ادراک فراحسی را در سطح اجتماعی و جهانی مورد بررسی قرار داد و ملاک شناخت این ادراک را تعیین نمود. تبیین ادراک حسی به دلیل داشتن اندام‌های حسی ساده‌تر است، اما ادراک فراحسی به دلیل نبودن اندام‌های حسی مشترک در آنجا، انتقالش به دیگران دشوار است (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱). از این رو، انسان نمی‌تواند پدیده‌های فراحسی را تکرار، آزمایش و در نتیجه، آموزش دهد (بی‌نیاز، ۱۳۸۶)؛ زیرا ماهیت پدیده‌های فراحسی به نحوی است که مانند سایر پدیده‌ها تن به تحقیقات و تجارب علمی نمی‌دهد (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۸).

##### ۴. نتایج مبهم

نویسنده کتاب قرآن و روان‌شناسی، یکی از معایب برخی ادراکات فراحسی را این‌گونه ذکر می‌کند: «برخی از روان‌شناسان معاصر، به بررسی پدیده‌هایی [فراحسی] چون تله‌پاتی همت گماشته و آزمایش‌های فراوانی روی آنها انجام داده‌اند، اما این کوشش‌ها همچنان در آغاز راه است و هنوز به نتایج دقیقی که بتوان آن را با اطمینان به مجموعه اطلاعات دقیق بشر درباره انسان افزود، نرسیده است» (نجاتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷).

##### ۵. مرزبندی ناقص میان پدیده‌های ادراک فراحسی

شباهت میان ادراکات فراحسی به وضوح به چشم می‌آید؛ همان‌گونه که در ادامه مقاله در بررسی انواع ادراکات فراحسی هم‌پوشانی برخی ادراکات قابل رصد می‌باشد، که دلیل آن را «می‌توان به ناشناخته بودن ماهیت واقعی این پدیده‌ها مربوط دانست» (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۱۳). از این رو، تفکیک ادراکات فراحسی از یکدیگر بسیار مشکل است و نمی‌توان دقیقاً این مسئله را مشخص نمود.

شیطانی انجام گیرد، ولی معجزه فقط برای اثبات رسالت و ابلاغ دین و مقدسات الهی به وقوع می‌پیوندد و هیچ غرض شخصی و شیطانی در آن راه ندارد (رضایی مهر، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

۴. تحقق ادراکات فراحسی مقید به بعضی مکان‌ها و زمان‌ها و شرایط خاص و محدود است، ولی معجزات پیامبران چنین محدودیت‌هایی ندارد و در هر شرایطی که پیغمبر صلاح دانست، به اذن الهی از او صادر می‌شود (همان).

### منشأ ادراک فراحسی

یکی از ابعاد که در زمینه ادراک فراحسی شایسته است، مورد بررسی واقع شود، واکاوی منشأ این ادراک است. اگر منشأ ادراک حسی عالم طبیعت است، منشأ ادراک فراحسی چیست؟

برخی منشأ آن را روح آدمی دانسته‌اند که می‌تواند از جسم و مرتبه پایین‌تر فراتر رود و حقایقی را بیابد. ایشان در ادامه این مطلب، می‌گویند: «البته این نکته را فراموش نکنید که حتی یافته‌های حسی ما هم می‌تواند مبدئی باشد، برای اینکه به ادراک فراحسی هم راه بیابیم» (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

عده‌ای دیگر بر این باورند که ادراک فراحسی فطری بوده و هر فرد انسانی به‌طور نسبی (یعنی با شدت و ضعف)، افزون بر ابعاد جسمانی و برونی، در خلوت خویش دارای کشش و جوشش درونی، فراحسی و باطنی است و این وجه غیرمادی، در نوع انسان - با همه پراکندگی و گوناگونی - ذاتی، طبیعی، غریزی و به اصطلاح، فطری است (امین، ۱۳۸۶، ص ۴).

### پیش‌زمینه ادراک فراحسی

اندیشمندان مختلف دیدگاه‌های خویش را در خصوص پیش‌زمینه یا چگونگی اکتساب و به کار بستن ادراکات

وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آمدن مغول یا مر حجاج و مدت حکومتش در عراق خبر می‌دهد، این امور وهمی نیستند؛ زیرا شما اثر آنها را می‌بینید. از طرفی دیگر، کسی که آن را می‌یابد آنچنان می‌یابد که در آن تردید ندارد، برخلاف امور وهمی که در اختیار فرد نیستند (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

### ۲. تفاوت معجزه و ادراک فراحسی

همچنان‌که اشاره شد، وجود یک سلسله ادراکات فراحسی در زندگی بشر قابل انکار نیست. این‌گونه امور در طول تاریخ بشر سابقه بسیار داشته و امروز نیز گسترده‌تر تحقق دارد (سعیدی‌روشن، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

اکنون این سؤالات مطرح می‌شود که «آیا وحی پیغمبران مانند آگاهی‌های غیرعادی برخی افراد است که با ریاضت‌های خاصی حاصل می‌شود که هرکس این ریاضت‌ها را بکشد، این معلومات را به دست می‌آورد؟ آیا اعجاز پیامبران مانند تصرفات بر خلاف مجاری و عوامل طبیعی آنان است؟ یا وحی با آگاهی‌های غیرعادی دیگر انسان‌ها و اعجاز یا تصرف غیرعادی آنها تفاوت دارد؟» (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۸). با توجه به کیفیت و شرایط تحقق معجزه و ادراکات فراحسی، می‌توان تفاوت آنها را در امور ذیل برشمرد:

۱. ادراکات فراحسی، در اثر یک سلسله تمرینات برای شخص حاصل می‌شود، ولی معجزه بدون هیچ مقدمه و تمرینی صورت می‌پذیرد (رضایی مهر، ۱۳۸۲، ص ۶۲).
۲. انسان‌های معمولی با آموزش می‌توانند ادراکات فراحسی را یاد بگیرند، هرچند انسان‌های خوبی هم نباشند، اما معجزه با قدرت الهی فقط در اختیار پیغمبران اولیای خداست و قابل تعلیم و تعلم نیستند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱).
۳. ادراکات فراحسی، ممکن است به اغراض مختلف



یعقوب علیه السلام را به عنوان مثال ذکر کرده است. آن حضرت، بوی فرزندش یوسف را هنگامی که کاروان حامل پیراهن یوسف از سرزمین مصر به راه افتاده بود و چند روز راه از محل اقامتش فاصله داشت، استشمام نمود: «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعَجِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَن تَفَنَّدُونِ» (یوسف: ۹۴)؛ و چون کاروان از مصر بیرون آمد، یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنید، من بوی یوسف را می‌شنوم. با توجه به اینکه قرآن از این نظر [اعجاز یعقوب] سکوت دارد، و آن را به عنوان اعجاز یا غیر اعجاز قلمداد نمی‌کند، می‌توان توجیه علمی نیز بر آن یافت؛ چراکه امروز مسئله «تله‌پاتی» انتقال فکر از نقاط دور دست یک مسئله مسلم علمی است، که در میان افرادی که پیوند نزدیک با یکدیگر دارند و یا از قدرت روحی فوق‌العاده‌ای برخوردارند برقرار می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۷۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۵۴). بنابراین، استشمام بوی یوسف علیه السلام توسط یعقوب علیه السلام، از چنین مسافت دوری به‌طور آشکار به پدیده ادراک حسی خارج از چارچوب حواس، اشاره دارد (نجاتی، ۱۳۷۴، ص ۸۸).

#### داستان تخت ملکه سبا

قرآن کریم داستان آن مردی که تخت ملکه سبا را در طرفه‌العینی از یمن به فلسطین آورد، این‌گونه نقل می‌کند: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل: ۴۰)؛ کسی که در نزد او دانشی از کتاب (از لوح محفوظ یا از کتاب‌های آسمانی) بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک چشمت به هم بخورد، یا چشم بر هم زنی به نزد تو می‌آورم. «قرآن این قضیه را تعلیل به یک نوع علم می‌کند که مسلم آن علم از این نوع علم نیست که [شخص] قانونی را بداند و بعد بخواهد روی آن عمل کند، ولی به هر حال [ناشی از] یک نوع علم و ایمان

فراحسی مطرح نموده‌اند که بسیاری از آنها شبیه به یکدیگر به نظر می‌رسد. در ذیل، به بیان برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

۱. دیدگاه علامه طباطبائی: علامه طباطبائی معتقد است که برخی از امور خارق‌العاده مستند به امور فراحسی، به وسیله قوت اراده صاحب آنها حاصل می‌شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تأثیر وجود داشته باشد، اثر آن ظاهر می‌شود. برخی دیگر از افراد نیز ادراک فراحسی را از راه ریاضت به دست می‌آورند (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ص ۲۴۲-۲۴۵).

۲. دیدگاه شهید مطهری: انسان با طرزی از عمل، با عادت دادن خود، با ورزش دادن و ریاضت دادن خود، با عمل کردن می‌تواند ادراکات فراحسی را کسب نماید (مطهری، ۱۳۸۰ب، ج ۴، ص ۵۲۲).

۳. دیدگاه عثمان نجاتی: این نوع ادراک فوق حسی را همه مردم ندارند و تنها برای بعضی افراد که از استعداد ویژه‌ای برخوردار هستند، امکان‌پذیر است. این استعداد، عبارت از نوعی شفافیت و صفای روحی است و به نیروی ادراک خارق‌العاده‌ای بستگی دارد که انسان می‌تواند از مرزهای مکان فراتر رود و اشیا و حوادث دور از خود و یا حوادثی را که به علت وجود موانع، از او پوشیده است، درک کند (نجاتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸).

۴. دیدگاه هانری کربن: در نگاه هانری کربن، فیلسوف، شرق‌شناس و متخصص در تاریخ ادیان، راه یافتن به دنیای ادراکات فراحسی، بدون پاکیزگی قلبی، تصفیه روحی و تأملات طولانی امکان‌پذیر نیست (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

#### ادراک فراحسی در آیات و روایات

##### داستان حضرت یعقوب علیه السلام

قرآن برای اشاره به ادراک فراحسی، ماجرای حضرت

می‌داند. این آیه دلیل بر این است که این نیروی خارق‌العاده در انسان وجود پیدا می‌کند؛ به موجب علمی که انسان پیدا می‌کند، نه آن‌طوری که بعضی اشخاص می‌گویند که انسان هیچ‌کاره است» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۹۶).

### نمونه‌هایی در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

امام صادق علیه السلام داستانی از حارثه بن نعمان انصاری در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که ادراک فراحسی را به خوبی بیان کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نماز را با مردم به جای آورد و نظرش افتاد به جوانی که نشسته بود، و خواب وی را فراگرفته، رنگش زرد و جسمش لاغر و چشمانش در سرش فرو رفته بود. پیامبر به او گفت: حالت چطور است؟ پاسخ داد: دارای حالت یقینم. حضرت از جوابش به شگفت آمد و گفت: هر یقینی حقیقتی دارد؛ حقیقت یقین تو چیست؟ جوان گفت: یقینم مرا به حزن و اندوه افکننده، خواب شب را از چشمم ربوده، و روزهای گرم را در حال روزه و عبادت بر من آورده است، به‌طوری‌که نفس من از دنیا و آنچه در دنیاست، بیرون رفته است و گویا نگاهم به عرش پروردگارم افتاده است که برای حساب خلاق برپا شده و خلاق برای حساب محشور گردیده‌اند، و من هم در میان آنها هستم و گویا می‌بینم اهل بهشت را که در آن متنعم می‌باشند، و با یکدیگر به رفت و آمد و سخن مشغولند، و گویا می‌بینم اهل آتش را که در میان آن معذب می‌باشند، و فریاد می‌زنند و گویا می‌شنوم صدای شعله‌ور شدن آتش را که در گوش‌های من دوران دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده‌ای است که خدا دل او را به نور ایمان روشن گردانیده است و سپس به آن جوان گفت: بر این حالی که داری پایدار باش (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۳۳). در این داستان شاهد آن هستیم

که پیامبر صلی الله علیه و آله ادراکات فراحسی زید را تأیید نمودند. داستان‌های ناظر به ادراکات فراحسی نظیر تله‌پاتی «در کتاب‌های مذهبی خیلی زیاد است؛ مثل اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در وقتی که نجاشی در حبشه بود، جریان فوت او را اطلاع داد و گفت که الآن نجاشی مرده است و او را کفن کرده‌اند و من از همین جا بر او نماز می‌خوانم، به‌طوری‌که همه جنازه نجاشی را دیدند و حضرت در آن حال بر آن نماز خواندند» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۹۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رکوع و سجود را به طور کامل انجام دهید، سوگند به خدا، هنگامی که به رکوع و سجود می‌روید من شما را از پشت سرم می‌بینم» (نجاشی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹، به نقل از: قشیری نیشابوری، بی‌تا).

### حوزه‌های ادراک فراحسی

#### ۱. تله‌پاتی

یکی از ادراکات فراحسی که مورد سخن ماست، تله‌پاتی است. تله‌پاتی (وکیلی، ۱۳۸۵، ص ۷۱) یا ارتباط فکری (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸)، یا اندیشه‌خوانی (علی‌زاده، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، ص ۷۱؛ ناجی، ۱۳۷۹، ص ۱۴)، یا دور آگاهی (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۲) و یا حس ششم، از دو لفظ یونانی «Tele» به معنای دور و «pathos» به معنای احساس تشکیل شده است (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۱۴). تعاریف فراوانی از این پدیده ادراکی شده است که برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ارتباط مستقیم ذهن به ذهن است یا به تعبیر دیگر، تعامل ذهنی مستقیم با سیستم‌های زنده (مملکت‌دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

- توانایی‌های شگفت‌آور انسان، در زمینه ارتباط برقرار کردن از راه دور و غلبه قدرت فکری بر افراد (نوری‌زاد، ۱۳۸۳، ص ۶۴-۶۵).

### ۳. روشن‌بینی

این کلمه به معنای «به وضوح دیدن» می‌باشد. روشن‌بینی (وکیلی، ۱۳۸۵، ص ۷۱) عبارت است از توانایی یک شخص در دیدن اتفاقات زمان حال یا آینده یا حوادثی که بعدها روی می‌دهد (رایچ، ۱۳۸۳، ص ۵۰). این پدیده، اطلاعاتی را درباره وقایعی که در فاصله دور به وقوع می‌پیوندد (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۲۰) و فراتر از حواس عادی درک می‌شود در اختیار ما قرار می‌دهد (مملکت دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳). از این پدیده به رازبینی (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۲)، دیدن از ورای مانع (مملکت دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳)، دیدن از راه دور (رایچ، ۱۳۸۳، ص ۵۰) و غیب‌بینی هم تعبیر شده است (علی‌زاده، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، ص ۷۱).

«همیشه افرادی هستند که مسائلی را از غیب تلقی می‌کنند؛ یک نوع روشنایی در روحشان پیدا می‌شود، چیزهایی را می‌شنوند که قبلاً نمی‌شنیدند، چیزی را می‌بینند که قبلاً نمی‌دیدند» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۱۹-۵۲۰). آگاهی نسبت به وقایع آینده ممکن است از طریق خواب نیز صورت پذیرد (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). البته مقصود از آن، خواب‌های راستین می‌باشد که با آینده - نه با گذشته - سروکار دارند و به هیچ وجه نمی‌توانند علت مادی داشته باشند (مقیسه، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹).

فرق بین روشن‌بینی با تله‌پاتی در این است که تله‌پات اطلاعات خود را از فکر شخص دیگر کسب می‌کند، درحالی‌که روشن‌بین این آگاهی را بدون ارتباط با فکر دیگری به دست می‌آورد (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

### ۴. دورشنوایی (Clairaudience)

یکی دیگر از ادراکات فراحسی، دورشنوایی یا رازشنوی می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). دورشنوایی عبارت

در اینجا بجاست این نکته ذکر شود که گاه با توسعه در معنا و گستره «الهام»، پدیده تله‌پاتی را نیز در دایره الهام جای دادند (اسدی، ۱۳۸۵، ص ۳۴-۳۵). الهام، احساسی از جنس آگاهی است که آدمی منشأ آن را نمی‌داند. این الهام گاه از عالم بالا و از طرف خداوند است [و منحصر به بندگان صالح است] و گاه از طرف انسان دیگری که در مسافتی دور از او قرار دارد [که روان‌شناسان آن را «تله‌پاتی» نامیده‌اند] (عظیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵).

### ۲. پیش‌گویی

پیش‌گویی (علی‌زاده، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، ص ۷۱؛ مملکت دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳؛ وکیلی، ۱۳۸۵، ص ۷۱) یا غیب‌گویی رویدادهای آینده و درست درآمدن آنها (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۳) از اموری است که بعضی از انسان‌ها می‌توانند از حوادث آینده خبر دهند. از این ادراک به پیش‌بینی، پیش‌شناخت یا پیش‌آگاهی نیز تعبیر شده است (ناجی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

آیزنگ می‌گوید: «از این نتیجه نمی‌توان چشم پوشید که بعضی از مردم دارای نیروی ذهنی‌ای هستند که می‌توانند رویدادهایی را که در آینده بسیار نزدیک رخ می‌دهد، پیش‌بینی کنند» (قدردان قراملکی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹). البته باید توجه نمود که «گاهی شما می‌بینید پیش‌بینی‌هایی که افراد خیلی زبردست در مسائل عادی می‌کنند خطا درمی‌آید. بعد می‌بینید این اشتباه نکرده، جریانی که او می‌دیده درست دیده، ولی یک جریان دیگری هم بوده که جلوی این جریان را گرفته است. او، هم درست دیده هم نادرست؛ درست دیده که آن جریان را دیده، درست ندیده که یک جریان مخالف را نمی‌دیده است» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۰۸).

فراحسی و معانی پنهان بر او، به طور مستقیم میسر می‌گردد، بلکه افزون بر این، می‌تواند آنها را با چشم دل مشاهده کند (عقدایی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). سوروکین (Sorokin) نیز معتقد است که بزرگترین دست‌یافته‌های خلاق، نتیجه نیرویی فراطبیعی - فراحسی است (باوندیان، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

#### ۷. همدلی از راه دور

هرگاه شخص، درد و رنج فیزیکی یا روحی و وضعیت هیجانی شخص دیگری را احساس کند، این پدیده «همدلی از راه دور» نامیده می‌شود. درک احساسات دیگران، از شایع‌ترین پدیده‌های ادراک فراحسی است. دوقلوها معمولاً چنان ارتباط نزدیکی باهم دارند که در صورت بروز حادثه‌ای برای یکی از آن دو، دیگری احساسات نفر دوم را حس می‌کند. این وضعیت می‌تواند بین یک مادر و فرزندش و یا میان عشاق پیش بیاید (رایچ، ۱۳۸۳، ص ۵۰). در بعضی از روایات نیز اشاره جالبی به این مسئله شده است: جابر جعفی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: گاهی بی‌آنکه مصیبتی به من رسیده باشد یا حادثه ناگواری اتفاق بیفتد، قلبم را غم فرا می‌گیرد، به نوعی که اطرافیان می‌فهمند. امام علیه السلام فرمودند: مسلمانان در آفرینش از یک حقیقت و طینت هستند، از این رو، مؤمنان برادر یکدیگرند؛ همین که حادثه تلخی برای یکی از آنان اتفاق بیافتد، دیگری در سرزمین و منطقه‌ای دیگر غمناک می‌شود (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۸).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می‌فرمایند: «دو نفر مؤمن که به خاطر خدا با هم دوست می‌شوند، همچون یک پیکر می‌گردند، به طوری که اگر یکی از آنان در موضعی از بدن خود ناراحتی داشت، دیگری در همان موضوع احساس درد می‌کند» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۲).

است از شنیدن صدا، یا سخنی از مکانی دور که خارج از محدوده حس شنوایی است (نجاتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷). البته این ادراک متفاوت از وحی است که مختص انبیاست. آنچه در اینجا منظور است، نظیر ندهای غیبی می‌باشد، که برای نمونه، نقل می‌کنند حربین یزید ریاحی شنید و تحول روحی یافت و از صف اشقیاء جدا شد و به یاران حضرت سیدالشهدا علیه السلام پیوست (خرم‌شاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۲).

#### ۵. آشناپنداری

هرگاه شخصی از یک واقعه، محل یا وضعیتی، در ذهنش تصوراتی داشته باشد، به این حالت «آشناپنداری» گفته می‌شود (رایچ، ۱۳۸۳، ص ۵۰). آشناپنداری میان مردم بسیار رایج است و حتی می‌توان گفت کسی وجود ندارد که دست‌کم یک بار این تجربه را نداشته باشد. برای مثال، شخصی با ورود به محلی که قبلاً هرگز به آنجا پا نگذاشته است، متوجه می‌شود که آنجا را می‌شناسد یا اینکه در بدو آشنایی با برخی افراد، حس می‌کنیم که یک دوست قدیمی را که سال‌ها پیش از دست داده‌ایم دوباره یافته‌ایم (همان، ص ۵۱).

#### ۶. ذوق و خلاقیت

عرفا و برخی فلاسفه از جمله افلاطون، در برخی تعبیرات خود از ذوق و خلاقیت به عنوان یک ادراک فراحسی تعبیر می‌کنند که با کمی اغماض می‌توان آن را جزو ادراکات فراحسی در فراروان‌شناسی نیز در نظر گرفت. ذوق و خلاقیت به عنوان ادراکی ماورای حسی از قدیمی‌ترین مفاهیمی است که پیوسته مورد تأمل اهل نظر بوده است (باوندیان، ۱۳۸۳، ص ۳۶)؛ ادراکی که لازمه آن تخریب حواس ظاهری از راه تحمل ریاضت و تزکیه نفس است (پارساپور، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴). پس از عارض شدن ذوق و خلاقیت بر فرد، نه تنها دریافت حقایق

طبیعت و زندگی طبیعی است. انقطاع نیز گاهی در پرتو وقوع امور هولناک در زندگی، گاهی از طریق تصرفات و اشاره ولی الله و انسان کامل، و نیز گاهی از راه کمالات نفسانی برای آدمی حاصل می‌شود که در پرتو آن، گاهی انسان به مشاهده بخشی از حقایق هستی نایل می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶).

وجه تمایز این ادراک فراحسی با سایر ادراکات نیز در این است که در مکاشفه و شهود نوعی گشودگی و کشف نسبت به حقیقت و واقعیت غایی هست، که شرط لازم سایر ادراکات فراحسی نیست (ملکیان، ۱۳۸۳، ص ۶۱؛ صادقی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۲)؛ همان‌گونه که جان هیک با تأثر از دیدگاه شلایر ماخر و ویلیام آلستون تجربه‌های دینی نظیر کشف و شهود را به معنای انتقال آگاهی می‌داند که در اثر مواجهه روح انسانی با حقیقت مطلق حاصل گردیده است (اسدپور، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

چشم بصیرت نیز از جمله ادراکات فراحسی به‌شمار می‌رود که چون در آن نوعی کشف و شهود وجود دارد، آن را در ذیل این ادراک ذکر می‌نماییم. بسیاری از عالمان، دانشمندان و حتی افراد عادی نیز بوده‌اند که از این ادراک فراحسی با شیوه‌های گوناگون آن بهره برده‌اند، که در این مختصر از ذکر آن خودداری می‌شود.

#### ۹. چشم زدن

یکی دیگر از ادراکات فراحسی چشم‌زدن، چشم‌زخم یا شورچشمی، می‌باشد که از دیرباز بر آن تأکید داشته‌اند. اما اینکه آیا چنین پدیده‌ای حقیقت دارد یا خیر؟ در این مختصر اشاره‌ای بدان خواهد شد.

«در اینکه اجمالاً چنین حقیقتی هست، نمی‌شود تردید کرد، چنانچه بعضی از علمای جدید معتقدند که در برخی از چشم‌ها چنین خاصیتی هست؛ یعنی بعضی از چشم‌ها

مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۷). صاحب تفسیر نمونه در این زمینه می‌نویسد: «امروزه ثابت شده که ممکن است از طریق رابطه فکری، ناراحتی‌های یک شخص به دوستش منتقل گردد و سپس آن ناراحتی خاص روی جسم او اثر بگذارد و همان عضو مشابه را ناراحت سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷-۱۴۸). با توجه نزدیک بودن مرزهای ادراک فراحسی که در گذشته بدان اشاره شد، این نکته قابل ذکر است که این پدیده را می‌توان بخشی از ادراک فراحسی تله‌پاتی نیز برشمرد.

#### ۸. کشف و شهود

نوع دیگری از ادراک فراحسی وجود دارد که در اصطلاح عرفا «کشف و شهود» نامیده می‌شود (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱، ص ۵۳)، و در ادبیات فلسفی از آن به نوعی تجربه دینی تعبیر می‌شود (همان؛ اسدپور، ۱۳۸۶، ص ۶۲؛ شجاع، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸ و ۱۳۶؛ صادقی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۲). کشف و شهود عبارت است از دیدن اشیا یا حوادثی که خارج از محدوده حس بینایی قرار دارند (نجاتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷) و از لحاظ ماهیت با دیدنی که توسط چشم یا هر وسیله دیگری که تصویری در ذهن ایجاد می‌کند، متفاوت می‌باشد (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۸۱). همچنین «ممکن است در برخی موارد در خواب، بیداری و یا در حالتی میان خواب و بیداری رخ دهد» (رفیعی، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

امام خمینی علیه السلام کشف و شهود را این‌گونه تبیین نموده‌اند: آن‌گاه که روح انسان از سرگرمی‌ها و اشتغالات برکنار می‌ماند، می‌تواند از حقایق جهان آگاهی یابد. انسان می‌تواند دیدنی‌ها را ببیند و حتی از گذشته و آینده باخبر شود. عامل اصلی مشاهدات نفسانی و آگاهی از حقایق هستی، انقطاع و انسلاخ انسان از پرداختن و توجه به

### نتیجه‌گیری

در بررسی ادراک فراحسی از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام در این مقاله، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. نقل متواتر ادراکات فراحسی در نظرات اندیشمندان توانمند - که بدان اشاره شد - و نمونه‌های کم‌رنگی که خود در زندگی دیده‌ایم و نتایج انکارناپذیر آن، اذعان دارد که وجود ادراکات فراحسی، ممکن است و نمی‌توان آن را تصادف و توهم دانست.

۲. در صورتی که صحت همه یا بعضی از پدیده‌های فراحسی، به طریق علمی یا عقلی یا اجمالی ثابت بشود، در تحکیم مبانی ایمان و اعتقادات بسیاری از مؤمنان بی‌تأثیر نیست. چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز با همه ایمان و یقینی که به رستاخیز و احیای مردگان داشت، از خداوند درخواست کرد که یک‌بار آن را برای مزید اطمینان قلبی او، به اجرا درآورد و خداوند درخواست او را اجابت کرد (بقره: ۲۵۹-۲۶۰). امروزه هم بسیاری از انسان‌ها با ادراکات فراحسی مواجه می‌شوند. در صورتی که این افراد صحت آن را بپذیرند، بر محدودیت‌های دیدگاه ماده‌گرایانه فایق آمده و دیگر اصالت ماده و اصالت طبیعت نزد ایشان اعتباری ندارد، و در پرتو آن، بقای روح و حیات اخروی را می‌پذیرند.

۳. حواس پنج‌گانه و عقل و سائلی هستند که انسان در زمینه ادراک و شناخت، از آنها کمک می‌گیرد، ولی در بسیاری از مسائل برای رسیدن به شناخت واقعی، به تنهایی کافی نیستند؛ مثلاً، آنها به شناخت مسائلی که انسان با حس و عقل نمی‌تواند درک کند، قادر نمی‌باشند. به همین دلیل، وجود ادراک فراحسی در انسان ضرورت دارد.

۴. در کنار تمامی مزایای ادراک فراحسی که در پژوهش حاضر بیان گردید، این نوع ادراک دارای محدودیت‌ها، موانع و آسیب‌هایی نیز می‌باشد. از این رو،

نوعی اشعه از خود بیرون می‌دهند که این اشعه یک اثر سوئی در اشیا وارد می‌کند، مخصوصاً اگر با یک نگاه و نظر مخصوص باشد. قبول کردن این حرف‌ها در قدیم خیلی مشکل بود که انسان بگوید یک نفر وقتی که نگاه می‌کند، از چشم او شعاعی بیرون می‌آید که - مثلاً - می‌تواند یک سنگ را بترکاند؛ اصلاً قابل باورکردن نبود. ولی امروز که میدان عمل این شعاع‌ها و امثال اینها پیدا شده که چقدر در طبیعت امواج وجود دارد و این امواج چه کارهای خارق‌العاده‌ای را انجام می‌دهند، دیگر این امر تعجبی ندارد که شعاعی از چشم یک انسان بیرون بیاید و واقعاً یک شتر را به زمین بزند» (مطهری، ۱۳۸۰ ج، ج ۲۶، ص ۶۳۳).

### ۱۰. دورجنبانی روانی

دورجنبانی یعنی حرکت دادن اشیا و یا از حرکت بازداشتن آنها به وسیله تمرکز فکر (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸؛ مملکت دوست، ۱۳۸۳، ص ۳۳) و یا غلبه قدرت فکری بر افراد و اجسام (نوری‌زاد، ۱۳۸۳، ص ۶۵-۶۴). برخی دیگر، این پدیده را این‌گونه تعریف نموده‌اند: قدرت نفس بر جنباندن اشیا دور از طریق نفس و روان بدون استفاده از قدرت مادی (قدردان قراملکی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹). در جای دیگر نیز از آن به تسخیر و تصرف در اشیا و تأثیر از دور یاد نموده‌اند (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۲۳). «مثلاً، انسان ممکن است اینجا باشد و جسمی را که در آنجا هست هدایت کند یا متوقف کند یا به حرکت درآورد. همین‌هایی که میز را به حرکت درمی‌آورند. یا می‌گویند تو قصد کن که این میز به کدام طرف برود، من قصد می‌کنم نه اینکه او قصد کند، من نیت می‌کنم، بعد فرمان می‌دهد آن‌طوری که فلانی نیت کرده، به هر طرف که او قصد کرده برو، به همان طرفی که من قصد کرده‌ام می‌رود» (مطهری، ۱۳۸۰ ب، ج ۴، ص ۴۸۱-۴۸۲).

آسیب‌شناسی مطرح شده در ادراک فراحسی، زمینه‌ساز آسیب‌زدایی و موجب برطرف شدن ناهنجاری‌های احتمالی موجود، در فرایند کلی ادراک فراحسی خواهد شد، به گونه‌ای که پس از انجام آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی، ادراک فراحسی، در مسیری پویا و صحیح انجام خواهد گرفت.

۵. تفاوت میان وهم و ادراکات فراحسی که از مراتب عالی روحی ناشی می‌شود در آن است که ادراکات فراحسی آثاری در عالم خارج دارد که وهم آن آثار را ندارد.

۶. ادراکات فراحسی، آموخته می‌شوند و به دیگران نیز آموزش داده می‌شوند، ولی تعلیم و تعلم در معجزه راه ندارد. همچنین ادراکات فراحسی، از هر کس چه کافر، چه فاسق، چه مؤمن، می‌تواند حاصل آید ولی معجزه فقط از پیامبران و اولیاءالله که پاک و صالح و شایسته‌ترین بندگان خدا هستند، ظاهر می‌شود.

۷. بررسی آموزه‌های دینی، سیره علمی و عملی علما و عرفا حاکی از آن است که ادراکات فراحسی، به عنوان یک حقیقت در منابع اسلامی شناخته شده است و وجه تمایز انسان‌ها و سایر موجودات قلمداد می‌گردد و نیز می‌توان کسب مقامات بالای معنوی را از جمله دلایل بروز برخی از پدیده‌های ادراکی برشمرد.

#### منابع

- احمدی، احمد، ۱۳۸۹، «اندیشه و نظر: نقد نقد کانت»، **اطلاعات حکمت و معرفت**، ش ۴۹، ص ۵۳-۴۹.
- اسدپور، رضا، ۱۳۸۶، «اندیشه و نظر: کثرت‌گرایی دینی از چشم‌اندازهای متفاوت»، **اطلاعات حکمت و معرفت**، سال دوم، ش ۹، ص ۶۵-۵۸.
- اسدی، علی، ۱۳۸۵، «سیر پیدایش و تحول در نظریه الهام با تأکید بر آیات قرآن»، **معرفت**، ش ۱۰۷، ص ۳۶-۲۹.
- اکبری، احمد، ۱۳۸۴، «سا و خرافات»، **مبلغان**، ش ۷۵، ص

۱۵۲-۱۶۳.

امین، حسن، ۱۳۸۶، «پیوند فرهنگ و دین و سیاست»، **حافظ**، ش ۴۵. باربور، ایان، ۱۳۷۴، **علم و دین**، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

باطنی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۷۹، **فرهنگ معاصر**، چ ششم، تهران، فرهنگ معاصر.

باوندیان، علیرضا، ۱۳۸۳، «نسبت زیبایی وحدت و کمال»، **کیهان فرهنگی**، ش ۲۱۳، ص ۳۴-۳۹.

بخشی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، «مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام»، **معرفت**، ش ۵۰، ص ۷-۱۵۶.

پارساپور، زهرا، ۱۳۸۶، «بررسی مفهوم حسن دیگر در مثنوی از دید تطبیقی در حکمت عرفان و اسطوره»، **فرهنگ**، ش ۶۳ و ۶۴، ص ۱۴۱-۱۶۴.

جلالی فراهانی، مسعود، ۱۳۸۸، «تفسیر باطنی امامت شیعی»، **اطلاعات حکمت و معرفت**، ش ۳۸، ص ۲۶-۲۸.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، **تسنیم**، چ دوم، قم، اسراء. حجازی، بهجت‌السادات، ۱۳۸۷، «روان‌شناسی شخصیت در تاریخ بیهقی»، **گاووش‌نامه زبان و ادب**، ش ۱۶، ص ۹-۴۰.

خاکبازان، نوید، ۱۳۹۰، **ره‌نامه جهادی در عرصه فرهنگی**، قم، خادم‌الرضا.

خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۵، **حدیث ولایت** (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۶۴، «غیب جهان و جهان غیب»، **کیهان فرهنگی**، ش ۱۳، ص ۲۲-۲۹.

رایج، آندرس، ۱۳۸۳، «پدیده‌های فراروان‌شناسی کدامند؟»، ترجمه دنیا مملکت‌دوست، **روانشناسی جامعه**، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۴۹-۵۱.

ربر، آرتور اس، ۱۳۹۰، **فرهنگ روان‌شناسی** (توصیفی)، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، رشد.

رجبی، محمود، ۱۳۸۲، **انسان‌شناسی**، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.

رضایی، محمدعلی، ۱۳۸۹، «سحر از دیدگاه قرآن و علم»، **کوشش معارف**، ش ۱۳، ص ۱۱۹-۱۴۰.

رضایی‌مهر، حسن، ۱۳۸۲، «پدیده‌های فراروان‌شناختی»، **کیهان فرهنگی**، ش ۱۹۹، ص ۵۸-۶۲.

رفیعی، سیدعلی‌محمد، ۱۳۸۹، «بینش جان و رویش تصویر: عوامل مؤثر در تصویرگری دینی»، **کتاب ماه کودک و نوجوان**، ش ۱۵۵، ص ۷۹-۸۸.

- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۱، **مبانی نظری غرب مدرن**، تهران، کتاب صبح.
- سعیدی روشن، محمداقبر، ۱۳۷۹، **معجزه شناسی**، تهران، مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر.
- شجاع، محمداشرف، ۱۳۸۷، «نقدی بر رهیافت تجربه دینی خاورشناسان بر وحی»، **قرآن پژوهی خاورشناسان**، ش ۵، ص ۱۲۱-۱۴۸.
- شولتز، دوان، ۱۳۹۰، **نظریه های شخصیت**، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، چ نهم، تهران، ارسباران.
- صادقی، هادی، ۱۳۸۲، «الحاد، شک، یا ایمان؟»، **معرفت فلسفی**، ش ۲ و ۱، ص ۴۳-۶۰.
- ، ۱۳۷۹، «دین و تجربه»، **نقد و نظر**، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۲۲۲-۲۴۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، اسماعیلیان.
- عبداللهی، محمدعلی، ۱۳۸۳، «هجرت از الحاد به خداباوری»، **نقد و نظر**، ش ۳۶ و ۳۵، ص ۲۷۹-۳۱۲.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و همکاران، ۱۳۸۰، **نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی**، تهران، بنیاد قرآن.
- عقدایی، تورج، ۱۳۸۹، «جمال شناسی گلشن راز»، **ادبیات عرفانی و اسطوره شناسختی**، ش ۱۸، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- علی تبار فیروزجایی، رمضان، «فطرت نمونی زبان دین و قرآن»، **آیین حکمت**، ش ۲، ص ۷-۳۴.
- علی زاده، مصطفی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، «روان شناسی و اجتماع: فراروان شناسی»، **فردوسی**، ش ۷۴ و ۷۵، ص ۷۰-۷۳.
- فعالی، محمدتقی، ۱۳۷۹، «نگاه قرآن به عقلانیت دین»، **صحیفه مبین**، ش ۴، ص ۶۷-۸۴.
- فیروزبخت، مهرداد، ۱۳۸۹، **فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی**، تهران، ویرایش.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۱، «حقیقت وحی، تجربه دینی یا عرفانی؟»، **قبسات**، ش ۲۶.
- ، ۱۳۷۵، «کاوشی در تجسم اعمال»، **کیهان اندیشه**، ش ۶۸.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، **تفسیر نور**، چ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کراجکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، **کنز الفوائد**، تصحیح عبداللّه نعمه، قم، دارالذخائر.
- کلرمون، ۱۳۵۴، «حقایقی درباره انتقال احساسات از دور»، ترجمه هادی خراسانی، **وحید**، ش ۱۸۷، ص ۹۷۸-۹۸۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۹، **اصول کافی**، ترجمه محمداقبر کمره ای، چ چهارم، قم، اسوه.
- ، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوهن، رابرت لارنس، ۱۳۸۲، «دانش و دموکراسی»، ترجمه علی محمد طباطبایی، **بازتاب اندیشه**، ش ۴۳، ص ۲۷-۳۲.
- گوستاو یونگ، کارل، ۱۳۸۲، «واقعیت و فراواقعیت»، ترجمه سیدمحمد آوینی، **هنرهای تجسمی**، ش ۲۰، ص ۶۸-۶۹.
- مبلغ، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، «شناخت در قرآن از نگاه مطهری»، **پژوهش های قرآنی**، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۱۸-۱۴۳.
- مجلسی، محمداقبر، ۱۴۰۳ق، **بسحار الانوار**، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ، ۱۴۰۴ق، **مرآة العقول**، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، «وحی شناسی»، **کوثر**، ش ۱۵، ص ۱۷-۲۲.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰الف، **مجموعه آثار**، چ ششم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۰ب، **مجموعه آثار**، چ ششم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۰ج، **مجموعه آثار**، چ ششم، تهران، صدرا.
- مقیسه، حسین، ۱۳۸۲، «بنیادهای معرفت یا معرفت های بنیادین»، **پژوهش های فلسفی - کلامی**، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۳۱-۱۴۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، **زندگی در پرتو اخلاق**، چ دوم، قم، سرو.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۷، **تفسیر نمونه**، چ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملک شاهی، حسن، ۱۳۹۰، **ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا**، چ هفتم، تهران، سروش.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۳، «درد از کجا؟ رنج از کجا؟ سخنی در باب خاستگاه درد و رنج های بشری»، **هفت آسمان**، ش ۲۴، ص ۵۱-۷۲.
- مملکت دوست، دنیا، ۱۳۸۳، «فراروان شناسی چیست؟»، **روانشناسی جامعه**، ش ۱۴، ص ۳۲-۳۳.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۰ق، **تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس**، تهران، پاسدار اسلام.
- ناجی، مسعود، ۱۳۷۹، «پدیده های فراطبیعی»، **کتاب ماه کلیات**، ش ۲۹، ص ۱۲-۲۰.
- نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۷۴، **قرآن و روان شناسی**، ترجمه عباس عرب، چ چهارم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نوری زاد، صمد، ۱۳۸۳، **آن سوی آیه ها؛ نگرشی بر اعجاز های پزشکی قرآن**، قم، آیت عشق.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، **مسئله تدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- وکیل، هادی، ۱۳۸۵، «فلسفه تجربه عرفانی»، **قبسات**، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۶۷-۹۲.